

تهیه کننده این مقاله : مون آف الاباما (Moon of Alabama).  
منبع و تاریخ نشر : انفارمیشن کلیرنگ هوز «2017-10-24».  
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

## قنوس 2-0 : به محض فارغ شدن سیا(سی آی ای) از ترور و کشتار در ویتنام ؛ آغاز ترور و کشتار توسط سیا(سی آی ای) در افغانستان

### Phoenix 2-0: CIA's vietnam terror unleashed upon Afghanistan

هفته گذشته رییس جدید سازمان سیا **مایک پمپئو** (Mike Pompeo) مردم را عملاً تهدید کرد و او این سازمان سیا را یک «آژانس خشن تر» توصیف کرد و گفت که نخستین گام باند قاتلان تضمین شده ای توسط این سازمان را به سوی مردم افغانستان می کشاند.



سیا عملیات های پنهانی خود را در افغانستان گسترش خواهد داد و تیم های کمکی از افسران و پیمانکاران با تجربه و درکنار آن نیروهای افغان را برای شکار و بدام افگندن و کشت و کشتار جنگجویان طالبان بسیج و به سراسر قلمرو افغانستان خواهد فرستاد.

نقش گسترده سازمان سیا(سی آی ای) در ما موریت های انجام شده توسط واحد های نظا می افزوده میشود و آن به این مفهوم که نقش جنگی بیشتر نیروهای جنگی ایالات متحده امریکا در افغانستان از دیدگاه عموم مردم پنهان نگاه داشته میشود.  
این یک مبارزه ضد شورش نیست ؛ با وجودیکه برخی از آگاهان سیاسی ادعا میکنند که کمپین ویا مبارزه علیه شورشیان مستلزم بخش ها ویا مولفه های سیا سی ؛ اقتصادی واطلاعاتی میباشد که البته این خواسته ها تنها در صورت حمایت از طرف یک قدرت

قا نونی میتواند موفقیت آمیز باشد .

دولت کنونی افغانستان از مشروعیت کمی برخوردار است؛ و این مشروعیت نیم بند را نیز سفارت ایالات متحده امریکا به این دولت بعد از اشکار شدن تقلب در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان که به هرج و مرج در کا بل انجامید رشوه داده شده است **مایک پمپئو** ریس سازمان سیادر ماه اگست با ریس جمهور افغانستان اشرف «غنی» ملاقات کرد که شاید به احتمال زیاد در مورد برنامه ها و پلان های جدید به بحث و گفتگو پرداخته باشند. اما اعلام کمپین انتخاباتی کنونی نه حاوی مولفه سیاسی و نه هم حاوی مولفه اقتصادی میباشد بلکه یک کمپین ویا مبارزه ای است که صرفاً بر پایه «امنیت» تمرکز دارد و آن هم بعنوان اختتام شکنجه های تصادفی و کشتار بدون نیاز که خود بدون کدام دستاورد به پایان خواهد رسید.

این کمپین و مبارزه به نفع طالبان خواهد بود با وجودیکه احتمالاً شاید برخی از شورشیان طالب در اینجا و در آنجا بگونه تصادفی سرکوب خواهند شد. و در کنار آن دور از امکان هم نیست که مردم افغانستان بیشتر از خود بیگانه نیز خواهند شد .  
طوریکه به همه معلوم است و آن اینکه اکثر جنگجویان طالبان مردمان محلی هستند کشتن و سرکوب کردن آنها زمینه را برای افراد جدید محلی مساعد می سازد که به صفوف جنگجویان طالبان ملحق شوند و از سوی دیگر این خود همچنین پوشش بهتر جمعیت را برای عملیات های آینده فراهم خواهد کرد.

یک عملیات همچو عملیات مشا به در هنگام جنگ ویتنام بعنوان عملیات ققنوس (phoenix) شناخته و بکار انداخته شده بود و در این جنگ ققنوس در حدود (50000) باشندگان ویتنام جنوبی را گروه ها و باندها کشتار (سی آی ای) زیر نام کمونیست های مظنون قتل عام کردند.

طرح عملیات **{ققنوس}** برای شناخت و یا شناسایی و خنثی کردن (از طریق در داخل نفوذ کردن؛ دستگیری؛ ضد تروریزم؛ بازجویی و اعدام و ترور) زیر ساخت های جبهه آزادی بخش ملی ویتنام جنوبی (NIF ویتکانگ) روی دست گرفته شده بود؛ سازمان سیا آنرا مجموعه از برنامه های اش که به دنبال حمله و تخریب زیر ساخت های سیاسی ویتکانگ بود توصیف میکرد. دو جزوه عمده این برنامه عبارت بود از واحدهای اکتشافی ایالتی (PRU) و جزوه دیگر آن مراکز بازجویی منطقوی. واحد های اکتشافی ایالتی این صلاحیت را داشتند که اعضای مظنون از جبهه آزادی بخش ملی ویتنام جنوبی و همچنین غیر نظامیان را که در پی از بین بردن اطلاعات جمع اوری شده مربوط به فعالیت های این جبهه بودند آنها را بعد از شناسایی دستگیر و سربسته کنند.

اکثر دستگیر شدگان اعم از اعضای جبهه و افراد مظنون غیر نظامی به مرکز بازجویی انتقال داده می شدند و در تحت لت و کوب و دادن شکنجه میخواستند که از فعالیت های

محرمانه آنها در منطقه اطلاعاتی را بدست آورند و بعد از آنکه از نزد این دستگیر شدگان اطلاعات را بدست می آورند بعداً آنها را به فرماندهان نظامی می فرستادند که آنها را در واحدهای اکتشافی ایالتی برای دستگیرهای افراد مظنون بیشتر و اجرای مأموریت های ترور بکار اندازند.

برنامه قفنوس (عنا) بمثابة یک برنامه توسعه سیاسی و اقتصادی بزرگ شناسایی شده بنام (CORD یا ایجاد هارمونی در آهنگ) تعبیه شده است که از نظر تاریخی قضاوت پذیرفته شدن آن این است که قفنوس با وجود مفهوم سازی وسیع تر خود نتوانسته که به هدف از قبل طرح شده ای خود نایل آید و آنها به دلیل افزایش کمپین مبنی بر پیشتیبانی و حمایت غیر فعال از ویتنام ویتکانگ که بعداً در این سال های اخیر شرک بنام (RAND = ابهام زدایی) پنتاگون تلاش بخرچ داد تا اگر بتواند که این دیدگاه را تغییر دهد.

تلاشهای جدید که ذریعه واحدهای کوچک بنام گروه های پیگیر در مبارزه علیه تروریزم راهنمایی میشوند شامل افسران شبهه نظمی از بخش فعالان ویژه ریاست امنیت ملی ویا بازوی اطلاعاتی افغانستان یک جا با نیروهای نخبه امریکایی از فرماندهان ویژه ای مشترک هستند اما اکثریت آنها نیروهای از اعضای شبهه نظامی افغانستان اند.

البته که در این گروه ها تنها چندین تن از افسران سیا با سهم گرفتن در بخش های بویژه نیز همراهی میکنند و از این کمپین حمایت بعمل می آورند. تا جاییکه این مقاله این نتیجه را بدست می آورد که پیمانکاران یا قراردادی های نظمی در این راستا ویا در پیشبرد این کمپین نقش مهمی را بازی میکنند؛ چنانکه در ماه اگست رییس سابق بلیک واتر (Black Water) اریک پرنس (Eric Prince) به نیابت اداره دونالد ترومپ رییس جمهور ایالات متحده امریکا رهبری پیمانکاران را در جنگ افغانستان مدیریت میکرد - لذا ما میتوانیم با خیال راحت چنین فرض میتوان کرد که ایرک پرنس و برخی از فرزندان و سلاله بلیک واتر در برنامه جدید سازمان سیا (سی آی ای) شامل وشریک خواهند بود. هر چند که اساس اطلاعات هوشمندان با یاد توسط استراتژی دفاع ملی (National Defense Strategy) انجام شود ویا در تحت نظر (NDS) مدیریت شود.

تشکیل ساختاری ریاست امنیت ملی افغانستان از اشتراک وشمولیت عناصر و افراد سابق اتحاد شمال (بویژه شورای نظار) مخالفان اصلی طالبان توسط سازمان سیا (سی آی ای) سازمان داده شده ویا ساخته شده است - در اواخر دهه (1990) اتحاد شمال که توسط احمد شاه مسعود رهبری میشد سازمان سیا (سی آی ای) وجوه مالی این اتحاد را تامین و تمویل میکرد که در آن وقت امرالله صالح «ریس اطلاعات هوشمند احمد شاه مسعود» بود که امرالله صالح با داشتن تابعیت دوگانه (افغان و امریکایی) آموزش و تربیت را در بخش اطلاعات از کارمندان و ماهران سازمان سیا (سی آی ای) دریافت میکرد یعنی که توسط سازمان سیا تربیت میشد. و بعد از حمله و تجاوز ایالات متحده

امریکا به افغانستان امرالله «صالح» سرویس اطلاعات جدیدی بنام استراتژی دفاع ملی (NDS) را رهبری میکرد. بعد از سال (2010) حامد کرزی رییس جمهور افغانستان امرالله صالح را از وظیفه اش سبک دوش کرد چونکه او یعنی امرالله صالح در برابر سازش که با یدبین حامد «کرزی» و طالبان صورت میگرفت از خود مقاومت نشان میداد. اشرف «غنی» رییس جمهور کنونی افغانستان در ماه مارچ سال (2017) امرالله «صالح» را بعنوان وزیر دولت بخاطر اصلاحات در بخش امنیت منصوب کرد بعداً امرالله صالح به نسبت آنکه اشرف غنی با گلبدین حکمتیار یکی از رهبران جنگجویان ضد دولتی و دوست و متحد طالبان به توافق صلح بینهم رسیدند از این مقام خویش استعفا کرد.

امرالله «صالح» از نظر منشا قومی یک تاجیک فوق العاده سختگیر و ضد پشتون ها میباشد او از پشتون ها که در افغانستان از نظر جمعیت قومی بیشتر نفوس افغانستان را دربرمیگیرد و طالبان که نیز مربوط به همین جمعیت پر نفوس افغانستان هستند ؛ امرالله «صالح» در برخورد به آنها با بدبینی و در عین زمان با فراست و هوشیاری برخورد میکند - امرالله «صالح» در این اواخر یک حزب سیاسی را ایجاد کرده و آن حزب را رهبری میکند او بوضوح و آشکارا جاه طلبی های منحصر به فرد خود را دارد او از دیرینه ها روابط خوب و نزدیک با سازمان سیا (سی آی ای) و بخصوص به مرکز گروه مبارزان ضد تروریسم امریکا داشت و دارد و به احتمال زیاد چنین فکر میشود که او در این برنامه جدید مبارزه و یا در پروژه قفوس سهم فعال دارد.

در شمال افغانستان از لحاظ مخلوط و امتزاج قومی دخالت کارکنان استراتژی دفاع ملی موجباتی را فراهم آورده اند که شبهه نظامیان محلی در مقیاس وسیع اقدام به پاکسازی قومی کنند ؛ ولی در شرق و در جنوب کشور چونکه در آنجا نفوس پشتون ها بیشتر است از این شبهه نظامیان محلی به نسبت آنکه باعث ترور و کشت و کشتار آنها گردیده به هیچ وجه حمایت نمیکند.



**نماد از اومیگای (سی آی ای) پنتاگون**

سالها است که کار اصلی کارکنان شبهه نظامیان (سی آی ای) در افغانستان آموزش

شبهه نظامیان افغانی است و اداره (سی آی ای) ایالات متحده امریکا از اعضای شبهه نظامیان بومی افغانستان برای ایجاد شبکه های اطلاع رسانی و جمع آوری اطلاعات مورد ضرورت خود استفاده بعمل آورده و تا کنون استفاده بعمل می آورد.

کما ند و های امریکا بی که مسولیت بخشی بزرگی از تحقق برنامه اومیگا پنتاگون را دارند به نیروهای بویژه (سی آی ای) اجازه داده اند که شبهه نظامیان افغان را بخاطر همکاری با نیروهای متعارف جلب و آنها را در تماس دایمی با نیروهای هوایی امریکا در هنگام حملات هوایی و نقل و انتقال دوکتوران و تیم طبی در زیر نظر داشته باشند یعنی که همکاری های شبهه نظامیان افغانستان را جلب کنند .

از مدت های طولانی این این واحد های امریکایی متهم اند که در میدان های جنگ و در هنگام حملات هوایی اکثر مردم غیر نظامی افغان را کشته و تا همین اکنون می کشند. این خود کاملاً قابل پیش بینی است ؛ که این کمپین ققنوس سرانجام چگونه به پایان خواهد رسید و اگر سازمان سیا (سی آی ای) در افغانستان بخواد به عمل مستقل و آزاد بپردازد وقتی میتواند که منابع کافی در دسترس خود داشته باشد ؛ حالانکه بقدر کافی این منابع را در دسترس ندارد و ناگذیر است که باید به (استراتژی دفاع ملی = NDS) اتکا نماید یا به این نهاد خود را وابسته سازد. نهادی (NDS) که در تشکیل آن خویشا وندان و اقارب امرالله «صالح» و همچنین شبهه نظامیان قومی و قبیلوی به تعداد قابل ملاحظه دیده میشود که هر کدام از آنها دستور کار خود را از منبع که آنها به ان وابسته اند اخذ میدارند.

با پدازغان کرد که کمپین تحت بها نه ای «امنیت» بعنوان یک طرح برنامه ریزی شده بستگی به کسب اطلاعات قابل اعتماد و اطمینان دارد پس چه کسی در این و یاد آن قصبه و یا دهکده عضو طالبان است ؟ لذا به دلیل عدم دسترسی به منابع خبری محلی قابل اعتماد و اطمینان ؛ شبهه نظامیان تحت اوامر (سی آی ای) یا فرماندهان پیمانکاران نظامی ایالات متحده امریکا در محلات مردم و بویژه مظنونین را تحت آزار و شکنجه بیرحمانه قرار میدهند تا زمانیکه بتوانند با چندین بار فلتر و یا شکنجه داد نهی پیهم آسمای آنها بی را دریا بند که در پی شناخت آنها بودند. و بعد از آنکه این مظنونین را شناختند که عضو از گروه طالبان هستند ممکن است که آنها را سربه نیست کنند.

این طرح جدید «عمد تاً» توسط «دومقام ارشد امریکایی» در نیویارک تایمز منتشر شد طرحی که از سوی آن مقامات مثبت پنداشته شد و آنها هم به این مفهوم که این ماموریت ضمناً منتج به آن خواهد شد که طالبان را به میز مذاکره بکشاند و در پرتو همین طرح دونالد ترومپ را تصمیم بر آن شد که در استراتژی جدید خود هر چه مبارزه شد بد علیه طالبان را بعنوان نقطه کلیدی قرار دهد تا اگر بتواند به هدف اش نایل آید.

ولی به نظر بسیاری از آگاهان سیاسی این طرح کاملاً بی مفهوم است ؛ چونکه ایالات متحده امریکا همین اکنون سال ها است که علیه شورشیان مبارزه میکند یعنی از جمله

علیه طالبان ، طالبانی که همیشه در صورت برآورده شون ویا قبول شدن شرایط شان شرایطی که با ید تمام نیروهای خارجی از کشور شان خارج شوند متمایل به مذاکره هستند واما ایالات متحده امریکا از پذیرفتن این شرایط طالبان سر باز میزند و شرایط طالبان را نمی پذیرد. ؛ لذا کشته شدن ویا کشتن هواخواهان مظنون طالبان هرگز تقاضا وخواست طالبان را تغییر نخواهد داد. واین امر موجب شده است که نگرانی ها را هرچه جدی و بیشتر سازد .

از پنج سال به این طرف است که این خشونت خود بیهودگی و بی فایده بودن کمپین ققنوس را روشن میسازد و با در نظر داشت همین دلیل است که نیویارک تا یمز دچار شوکه میشود که چنین کاری ممکن است که به اتفاق افتد. یعنی طرح ایالات متحده امریکا تحت عنوان کمپین ققنوس دستاوردی نخواهد داشت.

----- **با تقدیم احترامات «2017-10-29».**



